

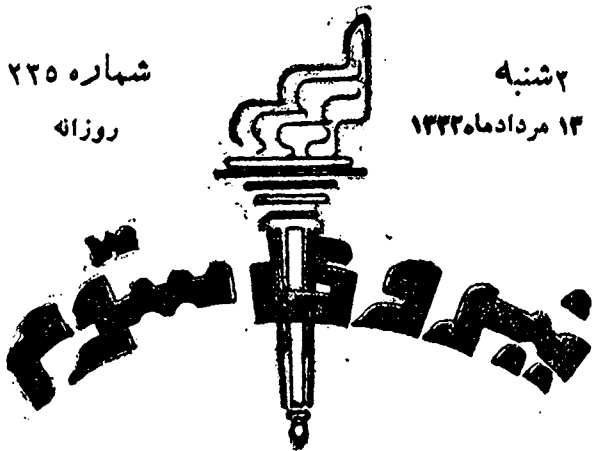
# نه آمریکا؛ نه لندن؛ نه مسکو مصدق پیروز است

دیروز یابرها و روشنفکران پالین شعار دژ میرفتند

## دیروز بیش از یکصد و چهل هزار نفر موافق در مقابل شصت و چند رای مخالف

### بانحلال مجلس ۱۷ رای دادند

زحمتگشان ایران متحد شوید



شماره ۲۲۵  
روزانه

شنبه  
۱۳ مرداد ماه ۱۳۳۲

پیروز میشود  
ارگان حزب زحمتگشان ملت ایران

#### روزبهار

برای اولین بار در تاریخ ایران، ملت مستقیماً فرمان نخست وزیری دکتر مصدق را صادر و توشیح کرد.

درود بده ها هزار مردمی که دیروز فرمان انحلال مجلس هفدهم را صادر نمودند. درود بده پرچمدار سالخورده و خردمند ما که نهضت مقدس ملی را از میان سیل حوادث و نشیب و فرازها بسوی پیروزی نهائی رهبری میکنند. درود ب مردم قهرمان تهران که در پیشاپیش ملت ایران، در راه آزادی و استقلال میهن گام بر میدارند.

نهضت ملی ایران در هیچ نقطه ای متوقف نخواهد شد، ملت قهرمان ایران يك گام عقب بر نخواهد گشت.

نورخیزه کننده ای در افق کشور ما درخشیدن گرفته است... آنچه امروز هادر میهن ما میگردد، نه تنها در تاریخ ایران بلکه در تاریخ خاورمیانه و سراسر مشرق زمین، آثار عظیم و جاودانی بر جای خواهد گذاشت، فقط گذشت زمان میتواند اهمیت تاریخی حوادث اخیر را چنانکه باید و شاید آشکار سازد، باید سالهایی بگذرد تا اهمیت واقعی این ایام تاریخی برسل کثونی روشن شود.

دهها هزار مردمیکه دیروز در تهران و حومه بانحلال مجلس هفدهم رای دادند بادت خود، فصل نویی را در تاریخ ایران کشورند. برای اولین بار ملت، مستقیماً فرمان ریاست وزدائی نخست وزیر کشور را صادر کرد. در تیرماه سال بقیه در صفحه ۳

جریان کامل رفراندوم دیروز با عکسهای جالب و تعداد صحیح آراء

شکم گرسنه ها پا برهنه ها و محرومین اجتماع بدکتر مصدق رای اعتماد دادند  
فریاد مصدق پیروز است میدان سیه را بلرزه در آورد

یکی از رای دهندگان در ورقه خود نوشته بود: مصدق هرچه تا کنون انجام داده اصلاح ملت بود و مورد تصدیق ملت است لباس پیشوایی و زمامداری فقط بر قامت موزون مصدق برانزده است

طهران تغییر قیافه داده بود  
صبح دیروز طهران کاملاً عوض شده و شکل دیگری به خودش گرفته بود، تمام دکانها و مغازه ها و بازار و موسسات دولتی و ملی تعطیل بود هیچگونه فعالیتی برای امور معمولی زندگی دیده نمیشد، همه فعالیت ها، حرارت ها و هیجان ها مربوط بر فریاد بود.  
از ساعت ۷ صبح مردم دست دست از خانه های خود خارج میشدند و بطرف میدان سه روی میآوردند تا در رای دادن بانحلال مجلس دوره ۱۷ شرکت کنند.  
بقیه در صفحه ۴

بعقبده حزب نوده مصدق نماینده ملت نیست  
اما ملت بر رهبری خردمندان مصدق اعتماد دارد

در جریان اخذ رای دیروز حزب خان توده خود را برای يك تظاهر و دموکراسیون حاضر کرده بود و افراد حزب توده بدون اینکه خود را مقید به شرکت در رای دادن بنمایند پیشترسی میکردند که در میان صفوف مردم برخیزند

و همه نیروهای مردم را ب حساب خود بگذارند.  
از طرف دیگر شه رهایی که برود و دیوار چسبیده بودند از نوع همان شمارهای تحریک آمیز گذشته بود یکی از این بقیه در صفحه ۲



در خیابان اکباتان منتظرند تا توبت بآنها برسد

دیروز دموکراسیون دهها هزار نفری حزب ما. باشکوه خیزه کننده ای بر گزار شد  
کارگران، پیشه وران، زحمتگشان و روشنفکران، همه با هم فریاد میزدند:

نه آمریکا، نه لندن، نه مسکو، مصدق پیروز است

دیروز میدان سیه و خیابانهای فردوسی و اسلامبول و لاله زار، زیر صدای پایکوبی دهها هزار نفر میلرزید. - دیروز همه محافل معتقد شدند که:

ملت ایران حزب بزرگ خود را تشکیل داده است

#### مشروحترین و دقیقترین رپورتاژ از تظاهرات دیروز حزب ما

سوم بابت داشته و ضمن شمارهای ملی، روزنامه را میروختند. بقیه در صفحه ۲



خانواده حداد زاده در میدان سه بانحلال مجلس رای دادند در این عکس خبرنگار ما در حال مصاحبه با آنها دیده میشود



ناملازمات زندگی او را از دخالت در سروشت خود باز نداشته است در مقابل صندوق رای حاضر شده و میخواست با رای خود سروشت نسل های آینده را تعیین کند

دعوت میکردند و مردم نیز با شور و اشتیاق فراوان بطرف صندوقهای آراء هجوم میکردند.  
کلرک، پیشه ور، کاسب، دانشجو دبیر، استاد دانشگاه، قاضی، وکیل دادگستری، مسم غلام مردم از هر صنف و طبقه در این فریاد هم شرکت داشتند.

تظاهرات و دموکراسیون تا ساعت ۹ از طرف حزب ما تظاهر منظمی صورت گرفت.  
زیرا از طرفی افراد حزب در رای دادن شرکت داشتند و از طرف دیگر مردم را برای رای دادن دعوت و راهنمایی میکردند. مخصوصاً افراد باسواد حزبی مردم بیسواد را که با شور و شوق برای رای دادن آمده بودند راهنمایی و یاری کردند و جوانان حزبی نیز روزنامه پیروی



علیرغم فتوای آیت الله اکشانی بانحلال مجلس هفدهم رای میدهند

از صبح دیروز مردم از نقاط مختلف شهر بطرف میدان سه روی میآوردند. صفوف طولی در خیابانهای اطراف میدان تشکیل شده بود و مردم با انتظار زمین نوبه برای رای دادن دقیقه شماری می کردند.  
بلندگوهای بیوسه مرد در برابر شرکت در فریاد



آقای فاضل تونی استاد دانشگاه تهران بانحلال مجلس ۱۷ رای میدهند

#### بجای کدوکا و روزنامه؟

جمع اصدان!

بر پیروز دکتر بقائی در مقاله «شاهد» نوشته بود که مردم تهران «بهر وسیله که ممکن باشد» باید از انجام رفراندوم، جلوگیری کنند.  
بر شش هم اعلامیه ای بامضای آیت الله بهبهانی خطاب بدکتر مصدق صادر شده بود که از افکار و معضون آن، این منابر میآید که در بقیه صفحه ۳



روشنتر - زحمتکش هر دو بصدق رای اعتماد میدهند.

دیروز مشت ملت یکبار دیگر بدهان ستر دالس و مستر چرچیل خورد  
مهر و دپوازه آن کسانی هستند که حرف از دموکراسی می زنند و از دمگراسی بوئی نبرده اند.

ملت ایران بدموکراسی مالیخولیائی و تخیلی مستر دالس و صاحبان و آل استریت پوز خندمی زند این اراده آهنین زنده پوشها و پا برهنه ها و قهرمانان کتنام سی تیزر ر نه اسند است که بر او با بان کاخ سفید وا شنگتن و کرملین مسکو و داونینگ استریت لندن تحمیل میشود پیروزی از آن دستاویز سوسیالیسم واقعی توده های معروف آسیائی و آفریقائی است نه دموکراسی دلار مستر دالس و کسوتیسم پلیسی کینلر میست های مسکو

بقیه در صفحه ۲

This object has been digitised and made available by The University of Manchester Library.

For further information and details about terms of use, see the Library's website -

<http://www.library.manchester.ac.uk/search-resources/manchester-digital-collections/digitisation-services/copyright-and-licensing>

قابل توجه کاربران مجازی :

این سند توسط کتابخانه دانشگاه منچستر دیجیتال سازی و عرضه شده.

برای اطلاع بیشتر درباره شرایط استفاده از این منبع الکترونیک, لطفاً به لینک زیر مراجعه فرمایید:

<http://www.library.manchester.ac.uk/search-resources/manchester-digital-collections/digitisation-services/copyright-and-licensing>

بر اساس این مقررات, هر نو استفاده از این سند باید با ارجاع مناسبی به کتابخانه دانشگاه منچستر انجام بگیرد.

### پایان نامه کی استوان پیشکار دارائی تهران

مقاله‌ای که از چندین قبل در این روزنامه درباره سوره جریانهای داخلی پیشکاری دارائی تهران منتشر می‌شود آقای حسین کی استوان رئیس آن اداره به نام تاریخ ۳۲ و شماره ۳۰۳۰۹۴ به آقای خلیل ملکی دبیر حزب دموکراتیک نیروی سوم نوشته و تقاضا کرده اند که معضرت را قبول فرمایند.

۱ - تمام مدافعات آقای کی استوان درباره نیروی سوم متوجه در هر شماره هر یک سوم می‌نادر شود.

۲ - اجازه فرمایند با حضور و اولاد نفر آقایان ذیل:

دکتر شایگان - دکتر سنجابی - میلانی - مهندس زریزگر - حاج محمد حسین راغب - افشار - نقشب - صدر - احد - حریری - حسن قاسمی - برین - طباطبائی - دکتر ملک - ماسیلی - دریک - جلسه عمومی حزب حضور یافته و دلایل بی تقصیری خودشان را درباره هر یک از اتهامات متوجه اظهار نمایند.

و نوشتن این نامه را برای اینکه مارا ملزم بقبول این پیشنهاد بنمایند بهر یک از آقایان درازاده گانه فوق فرستاده اند چون هر دو پیشنهاد آقای کی استوان غیر عملی بود و نتیجه مطلوب نمی‌رسید لذا پاسخ نامه ایشان را معضرت استحضار آقایان مذکور و با ذکر دلایل موجود ذیل درج و پیشنهاد خودمان را که از هر حیث جامع و مطابق اصول و موازین جاریه است در ذیل همین پاسخ ابراز و بیست و چهار مورد علاقه مندان میرسانیم ، اینک پاسخ ما بآقای کی استوان پیشنهاد دارائی تهران:

اول - تخط نظر از اینکه مساعیات روزنامه نیروی سوم خیلی محدود بوده و نتوان بخش زیادی از آنرا حصر باین کار نمود اصلا رسیدگی به موارد اتهامات وقتی مقدور و عملی است که اظهارات شایسته تهران با مستندات برونده‌های مربوطه تطبیق و رسیدگی شود.

اینگار صرف نوشتن پاسخ از طرف شما در درج آن در روزنامه نتیجه‌ای نخواهد داشت.

ثانیاً - اینکه تقاضا فرموده‌اید در یک جلسه عمومی حزب حاضر شوید و با حضور آقایان که اسم برده‌اید از خود مدافعه بنمایید انجام این درخواست نیز بنا بدلیل زیر امکان پذیر نبوده و نتیجه‌ای ندارد زیرا:

الف - برونده‌ها بیکه در این روزنامه اسم برده شده جزئی از صدها پرونده دیگر است که هنوز مجال پرداخت با آنها دست نداده و رسیدگی به این پرونده‌ها کاری نیست که در ظرف یک دو ساعت با حضور اینهمه اشخاص و اقوام و آئین نامه های کوکارکن مالیاتی اطلاع کافی ندارند انجام گیرد.

ب - با اینکه افراد هر یک از این دوادزه نفر آقایان را کلاماً می‌شناسیم در بی نظری آنها تردید نداریم در این حال باید تصدیق فرمایید که تخصص در یک کار بخصوص ربطی به هویتی یا بدی اشخاص ندارد، کسانی باید باین پرونده‌ها رسیدگی بنمایند که از قوانین و مقررات و آداب و نام‌های اجرائی مالیاتی کاملاً آگاه و مستضر باشند و انگهی ممکن است در این پرونده‌ها به موضوعاتی تصادف کنند که رسیدگی با آنها احتیاج بچیل شخص ثالث و مواجبه با کارمندان ذی ربط داشته باشد و انجام اینکار چندین روز و بلکه چندین هفته وقت می‌خواهد!

ج - بق صریح ماده ۲۹ قانون مالیات بر درآمد اداره دارائی مکلف است کلیه اطلاعات حاصله از جریان دادوستد و تجارت بازرگانان را محرمانه و مکتوم نگاهدارد در صورتی که بطور و با چه مجوزی می‌توانید پرونده مالیاتی فلان بازرگان را که صورت حسابهای سالانه آن در پرونده مالیاتی منکس است در برابر چندین نفر اشخاص فیراداری مطرح سازید!

هرگاه واقعا حاضر شده‌اید که در اینکار رسیدگی بشود و می‌توانید با پیوسته سوگندی هستید که در نامه خود یاد فرموده‌اید طریقه‌ای را که سهلترین طریق و نزدیکترین راه برای رسیدن به مقصود است پیشنهاد میکنیم و باین دادیم هم‌وزارت دارائی و هم بازرسی لغت و زیری این پیشنهاد را خواسته پذیرفت اینک پیشنهاد ما:

کلیه پرونده‌ها بیکه در باره سوره جریان آنها در روزنامه نیروی سوم

### پایان نامه حزب توده

بقیه از صفحه ۱  
شماره‌ها باین عبارات مندرجانه تنظیم شده بود:

### «اجبار دولت در مراجعه به آراء عمومی ثابت می‌گردد که هرگونه سازشکاری محکوم است»

حزب توده با این شمار مصدق را مثل همیشه از ملت جدا می‌کند و لیکن در ارتداد مردم می‌خواهد و انمود کند که دکتر مصدق سازشکار است ، دکتر مصدق از ملت جداست و دکتر مصدق طیرم میل خود مجبور میشود که برای انحلال مجلس هفدهم بآراء عمومی مراجعه کند در حالی که مردم طهران در کوچه و خیابان در جلوی صندوق‌های رای فریاد می‌زدند مصدق بی‌وز است!

حزب توده مصدق را در ردیف مقامات و دستگاههای قرار می‌دهد که در برابر فشار افکار عمومی مجبور به سکوت و خاموشی گردیده‌اند و بدنیال فرصت می‌گردند. ملت ایران در تظاهر دیروز خود ثابت کرد که همیشه بصدق اطمینان دارد ملت در مدت سه ساعت وقت متجاوز از صد هزار رای بصدق داد! ملت به مصدق رای اعتماد داد!

تا انحلال مجلس هفدهم را بدین اعلام کند بیکسو و واکنش نلندن می‌گوید که ملت بصدق اعتماد دارد و مصدق را از ملت جدا نینداند.

ملت ، پاپرته‌ها و زنده‌پوشها بر-خلاف حزب خائن توده لیگونی که مصدق مجبور است که از اراده آنها بیرون کند ؛ بلکه می‌گویند مصدق بی‌بخت مردم است حزب خائن توده فراموش کرده است که این مصدق نیست که بالاچاره افکار عمومی بی‌وزی میکند ؛ بلکه این حزب توده است که در برابر فشار افکار عمومی قدم بقدم از اول جریان ملی شدن نفت دومی های خائنه خود را هوش کرد و مجبور شد با دلزدگی شمار های ملت ؛ خود را به نهضت ملی ستیاق کند این دکتر مصدق که حزب خائن توده در جریان خود او را سازشکار و عامل امپریالیسم بنامید برای سقوط او با بانه نفتی همکاری میکرد و حادثه می‌فرید ماموریت تاریخی را که ملت با و واگذار نموده است قدم بقدم با فداکاری و بصیبت انجام می‌دهد.

برای ملت ایران ، صدق تغییر نکرده است بلکه این حزب خائن توده است که شمار های خائنه خود را تغییر داد و بدنیال مردم افتاد و مصدق را هر روز به یک رنگی معرفی کرد ؛ و اکنون هم با شیاتی کاری می‌خواهد بگوید که مصدق مجبور به رفتن است گسردید مصدق سازشکار نیست بلکه رسالت تاریخی او اینست که نهضت ملی ما را علیه سیستم استعماری امپریالیستی روسیه و انگلیس و آمریکا رهبری نماید ملت باین رهبری خرد مندانه اعتماد دارد.

### دیروز دموکراسی و امنیت آمیون

بقیه از صفحه ۱  
ولی از ساعت ۱۰ نیم بندریج افراد حزبی در گوشه های مختلف جمع شده و پایت بلند گوهای تند در آرمیگر رفتند با شادمانی ، تظاهرات دسته جمعی می‌کردند.

### قرار نبود تظاهر شود

قبلا بپیچوجه قرار نبود تظاهراتی بصورت دموکراسیون از طرف حزب بشود ؛ زیرا دیروز ، روز رفتن مردم شرکت در رای دادن تعیین شده بود و هیئت اجرایی نیز قبلا چنین تصمیمی نگرفته بود و هیچگونه تدارکی نشده بود اما شور و اشتیاق افراد و تظاهرات نا منظم آنها سبب گردید که از هر طرف دامنه تظاهر دست گردید کم افرادی که میتینگهای موضعی تشکیل داده بودند از گوشه های مختلف بهم پیوسته و صف طولی در خیابان باب همايون تشکیل دادند. این صف دارای هیچگونه شعار یا پرچی نبود ، فقط افراد با صدای بلند داشتن روزنامه نیروی سوم و شعارهای ملی بود که معلوم شد این صف متعلق به افراد حزب دموکراتیک است.

حزب توده مصدق را در ردیف مقامات و دستگاههای قرار می‌دهد که در برابر فشار افکار عمومی مجبور به سکوت و خاموشی گردیده‌اند و بدنیال فرصت می‌گردند. ملت ایران در تظاهر دیروز خود ثابت کرد که همیشه بصدق اطمینان دارد ملت در مدت سه ساعت وقت متجاوز از صد هزار رای بصدق داد! ملت به مصدق رای اعتماد داد!

تا انحلال مجلس هفدهم را بدین اعلام کند بیکسو و واکنش نلندن می‌گوید که ملت بصدق اعتماد دارد و مصدق را از ملت جدا نینداند.

ملت ، پاپرته‌ها و زنده‌پوشها بر-خلاف حزب خائن توده لیگونی که مصدق مجبور است که از اراده آنها بیرون کند ؛ بلکه می‌گویند مصدق بی‌بخت مردم است حزب خائن توده فراموش کرده است که این مصدق نیست که بالاچاره افکار عمومی بی‌وزی میکند ؛ بلکه این حزب توده است که در برابر فشار افکار عمومی قدم بقدم از اول جریان ملی شدن نفت دومی های خائنه خود را هوش کرد و مجبور شد با دلزدگی شمار های ملت ؛ خود را به نهضت ملی ستیاق کند این دکتر مصدق که حزب خائن توده در جریان خود او را سازشکار و عامل امپریالیسم بنامید برای سقوط او با بانه نفتی همکاری میکرد و حادثه می‌فرید ماموریت تاریخی را که ملت با و واگذار نموده است قدم بقدم با فداکاری و بصیبت انجام می‌دهد.

برای ملت ایران ، صدق تغییر نکرده است بلکه این حزب خائن توده است که شمار های خائنه خود را تغییر داد و بدنیال مردم افتاد و مصدق را هر روز به یک رنگی معرفی کرد ؛ و اکنون هم با شیاتی کاری می‌خواهد بگوید که مصدق مجبور به رفتن است گسردید مصدق سازشکار نیست بلکه رسالت تاریخی او اینست که نهضت ملی ما را علیه سیستم استعماری امپریالیستی روسیه و انگلیس و آمریکا رهبری نماید ملت باین رهبری خرد مندانه اعتماد دارد.

برای ملت ایران ، صدق تغییر نکرده است بلکه این حزب خائن توده است که شمار های خائنه خود را تغییر داد و بدنیال مردم افتاد و مصدق را هر روز به یک رنگی معرفی کرد ؛ و اکنون هم با شیاتی کاری می‌خواهد بگوید که مصدق مجبور به رفتن است گسردید مصدق سازشکار نیست بلکه رسالت تاریخی او اینست که نهضت ملی ما را علیه سیستم استعماری امپریالیستی روسیه و انگلیس و آمریکا رهبری نماید ملت باین رهبری خرد مندانه اعتماد دارد.

برای ملت ایران ، صدق تغییر نکرده است بلکه این حزب خائن توده است که شمار های خائنه خود را تغییر داد و بدنیال مردم افتاد و مصدق را هر روز به یک رنگی معرفی کرد ؛ و اکنون هم با شیاتی کاری می‌خواهد بگوید که مصدق مجبور به رفتن است گسردید مصدق سازشکار نیست بلکه رسالت تاریخی او اینست که نهضت ملی ما را علیه سیستم استعماری امپریالیستی روسیه و انگلیس و آمریکا رهبری نماید ملت باین رهبری خرد مندانه اعتماد دارد.

### تاریخ یکی از رفقا :

یکی از رفقای حزبی چنین تعریف می‌کند:

« ما از صبح در دهانه خیابان چراغ برق مشغول تظاهر و دعوت مردم برای دادن رای بودیم . همینکه خودمان آراه خودمان را بمنترونها و پیچیم مشغول فعالیت شدیم . یک میتینگ موضعی در همانجا تشکیل دادیم و بطرف چهار راه سرشته حرکت کردیم . عده ای از رفقا نیز بسوی چهار راه مخبر الدوله ، چهار راه اسلامبول و نادری و حسن آباد پیش شدند سخت تشنه شدم . نود و یکپای پانمار از رفقا متظاهر برای نوشیدن آب جدا شدم . در اینوقت از میدان سه صداهای مهمی بگوشم رسید و ناچار بدون اینکه رفقایم شبرداز شوند ، از راه خود بطرف تویخانه برگشتم و در آنجا بود که دیدم سیل عظیم افرادی در خیابانها پیش می‌روند و منم با آنها پیوستم .

دور دوم :

صفهای برای دومین بار داخل خیابان باب همايون شدند . در اینوقت پرچم بزرگ « حزب دموکراتیک ملت ایران - نیروی سوم » پیروز شد و بصرف مقدم اقرانته شوم و باین ترتیب تا جلوی این دموکراسیون در پیشانی صفها کشیست .

صفهای ناخشنده ، در حالیکه هر لحظه طویل تر میشدند . سهل جنبیت بطرف بازار روی آورد . نزدیکیهای سبزه میدان بلاکارهای زیبای حزب ، از کلوب حزب بعدها پیوست و برود و رفتی حزبی قرار گرفت . وقتی ابتدای صوف چهارراه گلوبنده رسید

اتهای آن هنوز از سه راه ناصر خسرو رد نشده بود . صفها وارد خیابان چهل آباد - سه - باغ ملی و تیت شدند و از آنجا به خیابان فردوسی رسیدند . در جلوشهریانی و فرما : آوری نظامی تظاهرات خشنانکی بر علیه توطئه کنندگان نیم اسفند که همین افراد توطئه آنها را خنثی کرده بودند ، ابراز گردید و نسبت بکشانی و بقای سایر مناقبت ابراز ننشند . صفها با عظمت و ابهت عجیبی پیش می‌رفتند و زبان تحسین صوم مردم باز شده بود

ایراز احساسات مردم در طول راه شدت ابراز احساسات می‌کردند . برخی خیره خیره ، بعضها می‌نگریستند . یکی از رفقا ، از یک نفر که در پیاده‌روساک متوقف بود و صفها را می‌نگریست ، پرسید : پدر ! چه فکر میکنی . « او گفت ، هیچ ، موهای بدنم سیخ شده است . حالا می‌بینم که ملت ایران حزب خود را تشکیل داده است . من بخود می‌لرزم و قدرت تظاهر ندارم .» این نمونه کوچکی از احساسات مردم بود .

### از چهارراه ها و بانکها :

مردم در پیاده‌روها و چهار راهها شدت تظاهر می‌کردند . این تظاهرات وقتیکه صفها بخیابان لاله زار میرسیدند ، وسیع تر شد . زنان و کودکان ، خانوده‌ها ، پدران و مادران شدت ابراز احساسات می‌کردند ، کف می‌زدند و بعضی‌های حزب دموکراتیک ملت ایران ، سلام می‌گفتند :

سخن دیروز چه بود ؟ همه فریاد می‌زدند .

۱ - مصدق بی‌وز است .

۲ - مجلس هفدهم باید منحل شود .

۳ - فقط مصدق باید زمامدار ایران باشد .

۴ - رفتن مردم ، امروز تایید دولت ملی مصدق است . و شمار های متعدد و مهیج دیگر .

پیش ، به پیش :  
با این شمار ها صف ها بزرگ و با عظمت ، پیش می‌رفتند میتینگ صفها وارد خیابان اسلامبول شدند ، ابراز احساسات و گفتارها و هوراها بیشتر یافت . دیگر صدای نبود . جز صدای دهها هزار نفر افراد حزب ماکه با آسان بر می‌خاست و خیابانها را می‌پارزدند .

در این هنگام ، ابتدای صفها در خیابان لاله زار نو پیش می‌رفتند و انتهای آن هنوز از خیابان فردوسی رد نشده بود ، و اواسط صوف در خیابان اسلامبول بود .

در پیشانی صفها عده ای دو چرخه سوار حزبی حرکت می‌کردند و یکی از بلند گوها را نیز در میان داشتند . پشت سر آن عکس بزرگ دکتر مصدق و تابلوی « حزب دموکراتیک ملت ایران » قرار داشت و بدنیال صف های خروشان در حرکت بودند .

شماره های مهیج رفقای حزبی بی اندازه در مردم موثر بود و مخصوصا شمارها را از قبیل اینکه :

### «ایز نهارها ، چر چیل ها ، و مالنگنها بداند : نهضت اصیل ملی ایران ، جدا از بلو کهای جهانی است.»

اما این شمارها ، رفته رفته تکامل یافتند و در اواسط خیابان لاله زار نو ، شمار مهیج جدیدی ابلاغ شد ؛ بیکاره افراد فریاد زدند ، « نه لندن ، نه مسکو ، نه واشنگتن ، مصدق بی‌وز است ، این شمار گرم که جوهر نیروی سوم ایران است ، بصورتهای دیگری نیز مانند لندن ، لندن ، نه آمریکا ، به مسکو . مصدق بی‌وز است » و یا « نه لندن ، نه مسکو ، نه پانکی مصدق بی‌وز است » ابراز گردید و بسا کف زدنهای شدید مردم بر او برود .

در لاله زار نو ، ابراز احساسات افراد حزبی شدت یافت و تراکم صدها نفر با هم معیط غیر قابل توصیفی بوجود آورد . ابراز احساسات خانوده‌ها ، زنان و کودکان از بانکها بسیار گرم و امید انگیز بود .

پایان دموکراسیون :

صوف عظیم دموکراسیون ، وارد خیابان شامرضا شد و در جلوی کلوب حزب برانگنه شد . افراد حزبی سوی خانه های هارا در پیش گرفته و با یکدیگر آمدند و در ساعت دوازده ، دموکراسیون همه هارا نفری حزب ما پایان یافت . در حالیکه افراد حزب ، بیکه لیاچر به مردم تهران مانی امید انداختند .

# سکوت توطئه آمیز

نویسنده : آکس وایبرگ

ترجمه انگلیسی این کتاب ظرف یکماه فوریه ۱۹۵۲ چهارمترتبه در لندن چاپ رسید . ترجمه فرانسوی ، آلمانی ، روسی ، ایتالیایی و اسپانیولی «سکوت توطئه آمیز» تاکنون چندین مترتبه تجدید شده است .

۱۶۶

یک تصادف ، یا بهتر بگویم یک عمل غیر منتظره که بر اثر تصادف تاریخی بر خود در ایدولوژی مخالف صورت پذیر گردید سبب شد که هویت و معیبت مساعدی برای من پیدا شود و آن تصادف مرا در راه موفقیت کنگ نماید .

استالین بامید اینکه جبهه نهجی آلمان را متوجه اروپای غربی کرده باشد حاضر شد با آلمان از در آشتی در آید و با رین تروپ مبادرت با مضای یک پیمان شرم آورد و متفرضی بنماید . در آنتهنگام فن رین تروپ وزیر امور خارجه آلمان نازی بود ، از آن تاریخ روز بیست و سوم اوت ۱۹۳۹ یک دورمی دوستی و مودت بسیار محتاطانه و مشکوک بین روسیه شوروی و آلمان نازی آغاز شد و برای ابراز حسن نیت ، دولت شوروی تمام افراد آلمانی که در سناک روسیه زندانی بودند حتی آلبانیهای کونیست و یهودی را تسلیم مقامات پلیس آلمان گشتاپو کرد . زندانیان آلمان را از اردوگاههای معتقلی که در سراسر شوروی ایجاد شده بود مانند زندانهای منطقه قطبی یا کورتسک ، ناحیه دریای آمور ، زندانهای صحراهای وسیع کاراکنده جمع آوری کردند و در یک زندان بزرگ بنام زندان بوتیرکا ، واقع در مسکو نگهداری کردند .

در این زندان بود که ظرف چند هفته توقف خوراک های خوب و وسائل آسایش بیشتری تحت اختیار زندانیان گذاشتند تا پس از بهبود وضع مزاجی آنان همه را بدسته های پنجاه نفری تقسیم کنند و بامورین پلیس آلمان نازی تحویل دهند .

قرار بر این بود که مامورین « ک . پ . او .» روی بل رود خانه « بوک » واقع در ناحیه ی « برست لیتوسک » زندانیان آلمان را بامورین گشتاپو تسلیم نمایند .

من با این وضع از روی رودخانه « بوک » گذشته روزی که از طرف مامورین « ک . پ . او .» بامورین « گشتاپو » تحویل داده شد ظهر روز پنجم ماه ژانویه ۱۹۴۰ بود . ظرف مدت سه ماه از طرف گشتاپو زندانی بودم چند زندان مختلف را در « بیهلابو دلاسا » و « ورشو » و « لوبلین » عوض کردم . سپس در ناحیه کراکو واقع در خاک لهستان بسر میبرد .

در بهار سال ۱۹۴۲ که تجریه افراد یهودی از غیر یهودی شروع شد بیکه چند نفر از دوستان سابق بنهان خدم و دوسالمان مغضی ببعالیت برداختم در ماه مارس ۱۹۴۳ بدست گشتاپو اسیر خدم و مرا به اردوگاه اسیران واقع در ناحیه « کاونین » افتادم . بیکه رفقای لهستانی و غیر لهستانی خودم که در نهضت مقاومت مغضی لهستان کار می‌کردند موفق بفرار شدیم و مدتها در روشو بنهان بودیم . در آن شهر بود که دوباره علیه آلمانها مبادرت باجرای قتل خرابکارانه کردیم . زلم ، پدرم ، مادرم و دو برادرم روی همین اصل بدست مامورین « اس . اس » آلمانی دستگیر و کشته شدند .

روز هفدهم ژانویه ۱۹۴۵ ارتش سرخ شوروی حوالی شهر ورشو را تصرف کرد تا بالاخره بجایی رسید که من در یکی از زوایای آن بنهان شده بودم . با رسیدن نیرو های ارتش سرخ مجددا موفق شدم که از خاکگاه خارج شوم و آزادانه در خیابانها بگردم .

هیجده ماه بعد لهستان را ترک کردم و وارد بندر « والو » واقع در خاک سوئد خدم . پس از یازده سال با ورود بان بندر برای نخستین بار قدم بپاهک سرزمین آزادی گذاشتم .

### دیروز مشت ملی بیکار

کنند که دیوانه اند و شیطان در درپوششان رفته است . مستردالس هم می‌خواهد دیبای یبه دوم قرن بیستم را در نظام ناسد و شکست دموکراسی سرمایه‌داری خود مهار کند و فرمانان ملی ؛ و مردان فداکاری را که برای شکستن زنجیر این نظام منسحق کوشش میکنند سرخ و مایلیولیا سی می خوانند . و رون باره های وال استریت هم بر این عهدانات تله می تکراند اما مستر دالس باید بداند که نظام اجتماعی دموکراسی او و ادبایان او و مذهب مروچین کمولیسم کینفریست ها معکوم بنمات ؛

علیرغم دالس ملت ایران برچمدار این مبارزه جهانی است .

دیروز ملت ایران توطئه های آمریکا و انگلیس را معکوم کرد . هیچ نیروی قادر نیست که خود را بر اراده مردم ایران تحمیل کند بیکصد و چهل هزار رای دیروز نمایش عظیم قیدرت ملت ایران بود .

هفت و هفت هم برای مستردالس و مستر چرچیل به صندوق آراه ریخته شد سفارت کبرای آمریکا این دورقم را برای رئیس متوج خود مغایره کند و با خاطر نشان سارده که ایران بود .

از یکصد و چهل هزار رای تا شصت و هفت زای فاسله بین قدرت اراده ملت ایران با ترشعات دماغ مریض مستر دالس و ادبایان او و رفیق او چرچیل است .

# در تمام فصول سال پوشاک مورد سلیقه شما در جنرال مد حاضر است لاله زار کوچه بران تلفن ۲۳۹۹۲

## برای اولین مرتبه

په ازمنه  
گفته مردم ایران باقیام تاریخی خود، رای تاملی را که مجلس شورای ملی بفرموده بود و فرمان نخست وزیر او را بپاره کرده و نخست وزیر خود را بر سر تخت حکومت نشاندند و بر آنجا نصب کردند.  
ولی در مرداد ماه امسال، ملت ما مستقیماً فرمان نخست وزیر دکتر مصدق را صادر نمود.

برای اولین بار در تاریخ مبین ما، اندر ای نابل از مجلس بیدان های همومی شهر انتقال یافت. برای اولین بار در تاریخ کهن ما، مردم در کوچه ها و خیابانها نخست وزیر خود را انتخاب کردند و فرمان حکومت او را توفیق نمودند. آنچه در روز دهم تهران گذشت، بسیار مهم بود ولی آن سیمتر تا جایی است که از واقعه تاریخی در روز بیاد خواهد آمد.

در روز در دامن خود فردا سی را پرورده است که بروی و در آینه نزدیک سراسر خاور میانه و مشرق زمین را تکان خواهد داد، فردای پیروز هر لحظه نزدیکتر میشود.

پرسیدار سالخورده ما که نخست مقدس ما را از میان انبوه حوادث تلخ و شیرین و از شیب و فراها بسوی پیروزی دهری کرده است اکنون بازاری اعتدالی که از ملت گرفته و با قدرت بی نظیری که ملت بری پیشیده است، مقتدرتر از همیشه بسوی پیروزیهای نوین گام بر خواهد داشت. و سخن و خاها گهای بیدار را از سرواه نخست بر کنار خواهد کرد.

پیروزی نخست در داخل کشور، پیروزی ما را دو سیاست خارجی نیز تامين خواهد نمود بدون هیچ شک و تردید سیاست امریکا که با امید سقوط مصدق نشسته است پس از آنکه امیدس بیاس مبدل شد و از نالیت های « شوار تسکوف هم » مایوس گردید سخاو و ناخواه از ادامه سیاست فعلی خود منصرف خواهد شد و به پیروزی نخست ما گردن خواهد گذارد.

برای پیروزی دو سیاست خارجی، باید نخست پیروزی نخست را در داخل کشور تکمیل نموده و سیاست امریکاربا واقعیت های سرسخت مواجه ساخت اینست تنها راه پیروزی ما و اینست راهی که دکتر مصدق پرچمدار سالخوده ما در پیش گرفته است.

مرحله کنونی نخست ما، یک مرحله حساس و بی نظیر است. باید با جسارت و اعتماد بنفس پیش رفت، باید جورراه تصمیم گرفت و متهوراه حل کرد تاریخ همیشه نشان داده است که پیروزی تنها از آن کسانی است که در تصمیم و عمل خود جسارت و تهور بخرج دهند و از تزلزل و دو دلی به پر هیزند. باید قطعه های عطف را تفتیس داد، باید مراحل تحول را درک کرد و متناسب با تحولات داخلی و بین المللی جورراه تصمیم گرفت و با سرسختی تصمیمات متفلسفرا بوقع اجرا گذاشت و مردم و فرمانبران ایران پیروزیهای سه ساله خود را مدیون همین روش قاطع هستند.

دکتر مصدق دو نیم مدت زمامداری خود همیشه در افاق تصمیم جود و شجاع بوده است، با قابلیت اصطاف قابل تعسیتی از خود نشان داده است. قاطعیت و قابلیت اصطاف دو صفت مشخص دکتر مصدق و دو عوامل اساسی پیروزیهای او بشمار میرود و با همین صفات است که مردم را بسوی پیروزی هدایت خواهد کرد.

از هم اکنون میتوان طلیمه یک آینه در آرزوهای و رفاه راد افق کشور مشاهده کرد، در فر اند پر روز، پایه های اساسی یک ایران آزاد و آباد را بی ریزی کرد. ایرانی که وطن پا برهنه ها و گرسنه ها خواهد شد، کشوری که در آن « کار » و « دانش » احترام و مقام واقعی خود را بدست خواهند آورد.

طلیمه حکومت « کار و دانش » هم اکنون در پیشانی جامعه کهن ما نمودار است. ملت قهرمان ما، به پیشوای مصدق بزرگ، با گامهای بلند و استوار خود بسوی آینه موهنی پیش میرود. آینه از آنهایی است که سالها برای آینه مبارزه کردند و از پای نشسته، آینه از آن زحمتکاران پستی و فکری از آن آزادگان و سازندگان زندگی است.

## بجای کندو کاو روزنامه ها

بقیه از منحه ۱

در ابتدای امر، وقتی تصمیم دولت بانقلاب مجلس از طریق و فرزند اعلام شد. حضرت آیت الله خیابانمیردکه دکتر مصدق، شوخی میکند و تصدی بانقلاب مجلس هدم و اجرای فرزند، ندارد.  
اما وقتی کمی نمیدک از « شوخی » گذشته و حقیقتا دولت « بنا بر اقدام این امر دارد » از دکتر مصدق خواهش میکند که با ملاحظه حالت ایشان « اجزای چنین تصمیمی خودداری کند.  
در پایان این اعلامیه که روزنامه های مخالف بعنوان « تحریم فرزند » از طرف آیت الله بهبهانی « آنرا چاپ کرده اند، بد اشاره به « مایب و مضار فرزند » نوشته است: « این عمل، اساس مشروطیت را متزلزل و موجب ضعف و انحلال ایبی و روحی مجلس و قانون اساسی است و بنحوی که اطلاع دارم در نظر مردم نظیر تشکیل مجلس موسسان اخیر است. »

البته هیچکس نباید بپندد که اگر « فرزند » هم نظیر تشکیل « مجلس موسسان اخیر » اساس مشروطیت را متزلزل میکند و موجب « ضعف و انحلال روحی قانون اساسی و مجلس » است پس چرا « حضرت آیت الله » همانطور که اکنون با اجرای فرزند مخالفت میکند، آنوقت هم با تشکیل مجلس موسسان، مخالفت نکند، اینها بیننده و شمار بوط نیست آیت الله میدانند و عبا و صمامه اش، بعد از این حرفها، خبر در پیروز « داد » هم در باره فرزند، مجال است که بنویسد:  
« اکثر آراه امروز علیه دربار و امیرالیه است. یعنی اکثر آراه فرزند، متعلق به توده ایست و آنها هم گویا بنا به تشخیص هییدی نوری، در روی ترفه های خود، « علیه دربار و امیرالیه است » مطالبی مینویسند، ...

**اتفاق « شجاعت » که بجای « بسوی آینده »**  
منتشر میشود، در تذکراتی که به « مردم ضد استعمار تهران » در باره فرزند داده است، مینویسد:

« در فهای چاپی را بدست تکمیل کنید و بشیر از تبیین مشخصاتی که در آنجا قید شده چیز دیگری ننویسید و هیچگونه علامتی نگذارید. »  
تا هییدی نوری « توده ای تر از توده ای » چه بگوید!

لکنه مهمتر اینکه در شاهه دیروز با کمال صراحت نوشته شده بود که رژیم آرا و قوم و هیزر، بهتر از مصدق بودند و « کلیه آزادخواهان حقیقی در شناسایی مصدق اشتباه کرده بودند و در وجود رژیم آرا و هیزر، شرافت بیشتری بود! »  
اما با وجود آنکه « شاهد » به « شرافت » هیزر رژیم آرا و قوم؛ ایمان آورده و آنها را به دکتر مصدق ترجیح میدهد؛ مبدلاً طبق خبر روزنامه ها آیت الله کاشانی در مصاحبه ای که پریش با بهترین چراغ راجع به نقل و زود خورد شب بکشنه در منزل ایشان بعمل آورده بود گفته است:

دیشب جمعی از ارادلو و اوباش به پشت بام منزل من آمدند... آقای صفای که یکی از نمایندگان است مشغول وهظ و خطابه و در حال تجلیل و احترام از مصدق بودند... الخ...  
معلوم نیست اگر مصدق بقیه « شاهد » از هیزر رژیم آرا و قوم بدتر است پس چرا و احظین منزل آیت الله هنگام ورود مهاجین؛ در حال « تجلیل و احترام » از او بوده اند! نکته از این موضوع چیزی سردر نیارم شایعطور!

در خانه کلام برای اینکه « جمع اشاده » زاز هرجیت بشما نشان داده باشیم با استفاده از نتیجه فرزند و روزنامه های زیر انتظام می کنیم:  
دکتر بقای علی زمری + تحریم آیت الله ( بهبهانی و کاشانی ) + ۶۷ رای  
کندو کاوچی

## آگهی فروش سزک هفگنز درجه ۱

بنگاه اکتشاف و بهره برداری معادن مقدار دوهزار تن سزک هفگنز کاوچه تحویل سرمدن رباط کریم را از طریق مزایده بفروش میرساند.  
واوطلبان میتوانند برک شرایط و مشخصات را از اداره دفتر بنگاه واقع در خیابان کمال الله خیابان دانکنده دریانت و بین نهادهات خود را تا آخر وقت روز یکشنبه اول شهریور ماه ۱۳۳۲ بدقتر بنگاه تسلیم نمایند. پیشنهادات سامه ده روز دوخته دوم شهریور باز و خوانده میشود.  
بنگاه اکتشاف و بهره برداری معادن  
۲۷۲-۲

## هموطنان گرامی توجه فرمایند

شعبه ۳۲۴۱۹۹ مسر جوان و ناکام اینجانب که دارای چهار فرزند بود و در نهایت سلامتی زنده گی میکرد. در هفتین ماه آتستی مبتلا به نوریزی گردید و نظر باینکه باسی از بیهوشی و کشت و بناسبت وجود حکومت نظامی و نبودن وساطت فلیه نمیتوانستم او را به بیباستان دور بیرم ناکویر او را به بیباستان و زایشگاه با هر پردم ولی جز دکتر هیوش زاده بزرگ دیگری دو بیباستان نبود ایشان اصرار ورزیدند که بیدرنگ مرضی عمل شود ولی چون باین داشتم ایشان تخصصی ندارند موافقت نکردم و هر قدر اصرار نمودند که موافقت نامه کتبی برای عمل بدم ندادم و قاطعا نمودم اجازه ندمت بزرگ دیگری را هم برای کله بیادوم و آقای دکتر ابوالقاسم نیم آبادی که دو بده از نصف آماده برای حرکتی بودند هنگام عمل حضور داشته باشند موافقت کرده و باحال مصبانی گفت احتیاج به بیج بزرگ دیگری نیست و من بسیار را سالم بشانم و بیل می دم و بلافاصله اقدام بعمل سزاین نمودند.

گذشته از آنکه هنگام عمل بچه سالم را ببلات رساندند پس از عمل مشاهده شد که ساعت ساعت حال مرضی بدتر میشود و با اینکه هر چه اطرافیان بیباست اصرار بآوردن بزرگ دیگری میکردند او موافقت نمیکرد تا اینکه پنج روز پس از عمل یعنی و تیکه کار از کار گذشته بود با اصرار و فشار زیاد آقایان دکتر پروفسور هدل و دکتر مصدق و دکتر ونوقی را بیالین بیباست آوردم و آقایان یک صل فوری دیگری را لازم دانستند و در هنگام عمل با نهایت تمجب مشاهده نمودند که آقای دکتر هیوش زاده در اثر فطالت روده های مرضی را بیج داده و در نتیجه عمل جراحی دیگر فایده ندارد و هر سه بزرگ نامبرده چون سابقه دکتر را داشتند از فطالت او عجب نداشتند آقای دکتر پروفسور هدل گواهی نمودند در موقع عمل روده بیمار بیج خوردگی بیدانوده و آقای دکتر هیوش زاده متوجه شده اند.

تقاضای رسیدگی دارم - هم میبمان عزیز سعی کنند مانند من از طرف پزشکان بی اطلاع افعال نگردد و بمره برشتیان نشوند.

عبدالله دهشدستی

## باطریهای جدید الدهام ۱۹۵۲



دارای عایق فیبراک که برای مدت ۴ سال ضمانت گردیده الدهام بهترین باطری جهان شناخته شده است

نماینده انحصاری مهندس عباس فتحیان خیابان برق کوچه ناظم الاطبا

باساز بابایو تلفن ۳۴۲۷۵

از شهرستانها نماینده پذیرفته میشود

جیب نام شروار

معروف امشیر همایون

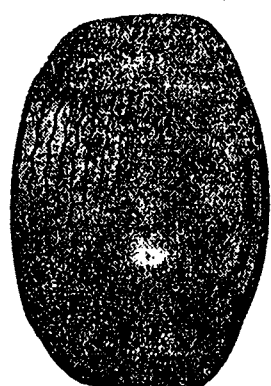
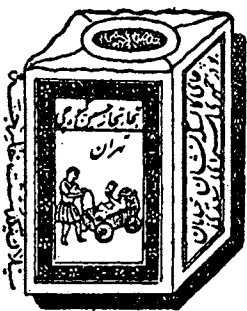
مشاعره سیاسی توام با موسیقی

## از رنگان چای تا بان

چگیده تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران در صد و پنجاه سال اخیر

چهارشنبه ۱۴ مرداد « عید مشروطیت » در دست روزنامه فروشهاست

## جهان سیر راحتی شمارا در مسافرت تضمین میکند



معروفیت زیاد در مدت کم

همیشه جنس خوب

بسرعت مورد

توجه مصرف کنندة

قرار میگیرد

لاستیکیهای ژیلت نیز در مدت کم شهرت جهانی

پیدا کرده است

## قابل توجه اهالی اراک

بقرار اطلاع در اجتهاب که بناسبت ۱۳۰۰ تیر در شهرستان اراک تشکیل شده بود شخصی بنام عالیزاده از طرف حزب زحمتکشان ملت ایران نیروی سوم صحبت کرده است...

اینک بدینوسیله با اطلاع عموم میرساند که این شخص از طرف حزب ماموریتی برای ایراد سفراتی نداشته است.

## تشکیلات شهرستانها

### آزمایشی سازمانی

چون آقای قنبر کنیری از دستورات سازمانی تخطف ورزیده بدینوسیله از سازمان نیروی سوم ساری مستقی شناخته میگردد.

## قابل توجه

اداره حوزه ۲۷ دانش آموزی دبیرستان بدر باید حتما برای امر لازمی امروز در حوزه شرکت نمایند فیتت باعث مسئولیت شده بدینوسیله از مسئول حوزه

## اخطار بکلیه ساکنین خیابانهای

۳۳۳۳ حشمیه عشرت آبادو خیابانهای اطراف کلیه رفقای حزبی و سازمانی مسکون در خیابانهای مذکور موظفند روز چهارشنبه ۱۴ مرداد ساعت ۷ بعد از ظهر خود را با آقای مقدم معرفی نمایند ۱ - ۲

تشکیلات تهران

توضیح در باره تلگراف از همدان در شماره دیروز روزنامه تلگرافی

مینی پرا انحلال مجلس اهدان بوسیله آقای احمد عرب زاده بنحمت وزیر درج گردیده بود که مربوط به حزب نیروی ملی همدان میباشد که اشتباها از طرف کمیته مرکزی حزب نیروی سوم نوشته شده بدینوسیله تصحیح میشود.

تشکیلات شهرستانها

## شجاعت نویسان با کمال وقاحت خبر دروغ جعل میکنند

روزنامه شجاعت که بجای رفیق مرحوم بسوی آینه منتشر میشود کار انتقاض بیبانی کشیده که دروغ های بزرگ و شاعاری جعل میکند شایع دروغ گفتن و دروغ نوشتن نیز بکنوع مبارزه بیفتازی باشد!

روزنامه شجاعت در شماره جمه ۹ مرداد ماه خود با کمال وقاحت مینویسد: که دهقانان الیکودرز نیروی سوم مبارا بیرون کرده اند.

در صورتی که کسانی که شاهد متینک عظیم و بی سابقه مادر الیکودرز بودند استقبال بی نظیری را که از نمایندگان حزب ما بعمل آمد چشم دیده بدرجه وقاحت کارخانه دروغ سازی شجاعت نویسان بی میرند

دوچ جریان مشروح مسافرت نمایندگان حزب ما بالیکودرز و شهرستان های بروجرد و خرم آباد با عکس های زنده از جریان متینک در نسامه هفتگی نیروی زحمتکشان از کارگزاران تشکیلات کارگری و دهقانی حزب سیاسی کره شجاعت نویسان را بر ملا خواهد کرد.

مجلس ختم

مجلس ختم مرحوم جعفر رفتی که در اثر سول انگاری بیباستان شماره ۳ ارتش در گذشته است امروز ساعت ۷ تا ۷ بعد از ظهر از طرف کارگران تسلیحات در مسجد باب العوام منعقد است

نشانی میدان نوزبه خیابان شهناز خیابان صفا

با اتوکارهای گیتی لورد

مسافرت کنید

صاحب امتیاز: عیسی اسمیل زاده جای ادوا: خیابان شامرضا دروازه دولت کوچه فتومی حزب زحمتکشان « نیروی سوم »

با اتوکارهای ایران پیماسافرت کنید

با اتوکارهای اتو بروجرد مسافرت کنید

با اتوکارهای اتوسیرقزوین مسافرت کنید

چاپ شرکت مطبوعات تلفن ۳۴۵۲۰ ناصر خسرو



مدیر مسئول :  
 علی اصغر صدر حاج سید جوادی  
 تحت نظر هیئت تحریریه  
 تک شماره ۴ ربال  
 تلفن حزب ۳۵۶۵۵  
 روزنامه ۳۷۵۱۷  
 ۲۳ ذیحده - ۴ اوت ۱۹۵۳  
 عنوان تلگرافی « مطبوعاتی پیشرو تهران »

بقیه سرمقاله

اگر بحرفهای خصوصی آنها گوش میکردید جز صحبت در فراموشی چیزی در نمی شنیدید ، مردم دوباره وسوسه راجع بایستادگی و شکوه در فراموشی راجع بشکست مخالفین و بالاخره راجع ببقویت و قدرت دکتر مصدق کنتکو میکردند . بهرحال در روز هر چه بود مربوط به فراموشی بود .

**عکس مرام بیانداز**  
 ساعت ۷ با اتفاق عکاس روزنامه که با دوربین و باطری مجهز بود از جانب لاله زار بطرف تویخانه راه افتادیم .  
 دو نفر دیگر از همکارها را نیز که یکی عکاس و دیگری خبرنگار بود به بهارستان فرستادیم .  
 در اواسط لاله زار چند نفر از آنهایی که جویک خیال فارغ چیزی در بساط ندارند برای شرکت در فرارندم بطرف میدان سپه روان بودند .  
 یکی از آنها بعضی اینکه چشمش به بوند و بساط رفیق ما افتاد گفت « عکس مرام بیانداز » رفیق عکاس ما هم جواب داد « عکس مرام » بدرودا میخورد !

**اشتباه قاضی و استاد**  
 بهرحال میدان سپه رسیدیم در مدخل میدان از هر خیابان یک چادر زده بودند و اعضای انجمنها در داخل چادرها نشسته بودند هنوز یکساعت باختری باقی بود و تازه اعضای انجمنها جا بیجا میشدند ؛ موضوع قابل توجه این بود که با وجود اینکه محل هر کسی قیلا معلوم شده بود باز هم بعضی از اعضای انجمن محل خودشان را اشتباه میکردند و مثلا بجای اینکه بچیزه شماره ۵ بروند در حوزه شماره ۴ نشسته بودند مثلا آقای بنی صدر عضو حوزه شماره ۵ مدت نیم ساعت در حوزه شماره ۴ نشسته بود و با کمال تعجب هر چه باطرائش نگاه می کرد از اعضای حوزه خودش کسی را نمیدید . خبر نگار ما که نام ایشان را جزو اعضای حوزه ۵ دیده بود آمده است جریان را برضشان رساند . البته ایشان که قاضی هستند اشتباه بزرگی مرتکب نشده بودند ولی استادان دانشگاه عضو انجمنها که حواسشان از قضات پرت تر است لابد بجای اینکه میدان سپه بیایند برای آهن رفت بودند !

**با انحلال مجلس موافقم**  
 از ساعت ۸ به بعد غوغایی بود مردم از هر طرف از مقابل صندوقها صف کشیده و چندین صف طولانی و بزرگ تشکیل داده بودند مثلا صف خیابان ناصر خسرو تا نزدیک بازار ادامه داشت . ما دوربین صندوقها با نهایت سرعت کار می کردیم در هر حوزه در آن واحد هفت نفری خود را در هفت صندوق میانداختند حوزه شماره ۲ خیابان برق و حوزه شماره ۳ خیابان لاله زار جمعیتشان نسبت به حوزه های دیگر کمتر بود ولی با انحلال کثرت جمعیت آنها آهتر بود که اعضای انجمن مستاصل شده بودند .

ایست و عظمت جمعیت بقدری شکفت انگیز و پرشکوه بود که کسی تا با چشم خود نمیدید نمیتوانست باور کند .  
 در صندوق مترکم مردم از هر طبقه و هر صنف آدم دیده شد پیر مردانی که بدشواری راه میرفتند یا اینکه زانوان آنها توان ایستادن نداشت ساعتها انتظار میکشیدند که رای خود را بصندوق بیاندازند تا فقط بگویند با انحلال مجلس ۱۷ موافقم و بدینوسیله از منصب ملی و دکتر مصدق پشتیبانی کنند صنف مردم بهترین نمونه و صرف اراده طبقات مختلف اجتماع ما دایر با انحلال مجلس ۱۷ بود ، حکم گرفته ها ، پاره پاره ها زنده پوشها و بالاخره همه همه با شوق و علاقه خاص دعوت دکتر مصدق را اجابت کرده برای اظهار عقیده خود بیای صندوق آمده بودند .

**فاضل تونی در مقابل صندوق**  
 بعد از اینکه در حوزه شماره ۴ عکاس روزنامه از همین جا برهنه ها و شکم گرفته ها عکس گرفت بطرف حوزه شماره ۵ روان شدیم هنوز داخل چادر نشسته بودیم که دیدم آقای فاضل تونی استاد مسر و مسم دانشگاه مشغول انداختن رای خود در صندوق است .

فاضل تونی از استادان دانشنده دانشگاه است که در دوره دکترای ادبیات فارسی تدریس می کند و با اینکه جز در مواقع درس کثیر از منزل خارج میشود و اغلب بیاطاله اشتغال دارد در روز ۷ ساعت صبح در داخل صف خیابان سپه بانتظار دادن رای با انحلال مجلس ۱۷ ایستاده بود . تا جناب فاضل دست خود را در استکان رنک فرو برد عکاس اداره یک عکس جالب از او گرفت .

**انگشت دکتر خطیبی را رنگ کردند**  
 در همین حوزه کترهایی وزیر کار و مهندسین زیر کزاده هم آراء خود را بصندوق انداختند پس از حوزه ۵ سری بچیزه ۱ زدم خوشبختانه وقتی رسیدم که آقای دکتر خطیبی استاد دانشگاه و رئیس کلیه دکتران نیست و در مشغول دادن رای بود و آقای دکتر خطیبی ایستاد دانشگاه هم پس از ایشان بانتظار نوبت ایستاده بود .  
 دکتر خطیبی پس از دادن رای وقتی خواست از چادر خارج شود یک مأمور « انگشت رنک کنی » انگشت او را گرفته و با شدت بداخل استکان مرکب فرو کرد .

**مصدق پیروز است !**  
 درست ساعت ۹ بود که همه ای از رفقای حزبی که آراء خود را تا این ساعت



در ناصر خسرو - صف کشیده اند ، از تویخانه تا دارالفنون و از آنهم دوتور میخواستند بصندوق رای اعتماد بدهند



منتظرند که نوبت آنها برسد تا برای خود مجلس مقدم زامنحل کنند

بصندوق ریخته بودند در خیابان باب هابون بدلیل عکسهای بزرگ دکتر مصدق قرار گرفته و صدای آنها که فریاد میکردند ، مصدق پیروز است میدان سپه را بلسرزه در آورد .  
 ( جریان تظاهرات افراد حزب ما درستون جدا گانه چاپ شده )

**صندوقها پر شد**  
 هنوز ساعت ۱۰:۵ نشده بود که تمام صندوقهای حوزه شماره ۵ پر شد اعضای حوزه که این مسئله را پیش بینی نکرده بودند اجبارا دوستدوق رادر کسبه ای خالی کردند و کسبه را لاک و مومر نبوده . مردم با شوق و هیجان زانده الوصی خود را بصندوقها انداختند و آهتر حرارت بخرج میدادند که گمان میرفت بروی صندوقهای همه حوزهها پر شود .

**اخلالگران روسی !**  
 اخلالگران اینطور انجام میگرفت که مردم که در صنف مرتب قرار داشتند همه آنها در دست خود « روزنامه » جوانان دموکرات گرفته بودند . اگر کسی میخواست همه آنها را بشرد میتوانست از « روزنامه های قرمز » که در دست داشتند بپسند ولی بیشتر آنها را ندادند . چنانکه هنوز ساعت ۱۰ نشده بلندگویی آنها اعلام کرد « رفقای ما مور انتظامی بطرف پارک شهر بروند » در این موقع همه رفقا ۱۱ ام از انتظامی که یک پرچم ایران ( بجای پرچم سرخ ) بسینه زده بودند و افراد مادی که پرچم ایران ( بجای پرچم سرخ ) بسینه زده بودند و افراد مادی که پرچم نداشتند با اینکه هنوز رای خود را نداده بودند از صفوف خارج شده و بیارک شهر رفتند .

**چگونگی اخذ رای**  
 اخذ رای اینطور انجام میگرفت که مردم که در صنف مرتب قرار داشتند بصرف آراء خود در صندوقها میانداختند و از حوزهها خارج شده و از خیابان باب هابون خارج میشدند و اغلب مردم برای تاها بچیزه های دیگر هم سر میزدند ولی باسبنا با نزدیک شدن افراد خارج صنف به چادرها جلو گیری می کردند و آنها را بطرف خیابان باب هابون راهنمایی می کردند .

**وقت تمدید شد**  
 بالاخره ساعت ۱۱ نزدیک شد جلوی حوزهها قدری خلوت شده بود ولی همه ای نفس زنان خود را بچیزه ها می رسانیدند .  
 مسلم بود که این اشخاص از راه دور خود را میدان رسانیده بودند و میخواستند در آخرین لحظات رای خود را بصندوق بیاندازند حوزه ۳۰۲ کار خود را در ساعت ۱۱ خاتمه دادند ولی حوزههای ۱ (خیابان ناصر خسرو ) ۴ (خیابان فردوسی) ۵ (خیابان سپه) مدت اخذ رای را تا ساعت ۱۲ تمدید کردند .  
 ساعت ۱۲ هم که حوزه پنج کار خود را تمام کرد با انحلال همه ای هنوز موفق نشده بودند رای خود را بصندوق بپرزند .

**فعالیت خبرنگاران**  
 در تمام این جریانات خبرنگاران داخلی و خارجی و مغربین عکاس سخت مشغول فعالیت بودند و خبر نگاران هر لحظه گزارش اخبار را بصرف گزاره های خود می دادند خبر گزارای های خارجی نیز جریان را تلگرافی بر سایر خود اطلاع می دادند . چند فیلم بردار هم از صحنه های فرارندم فیلمبرداری میکردند .

**شرکت خانواده حدادزاده در رای**  
 خانواده حدادزاده که سبب قبل در منزل کاشانی بچیزه های از دکتر مصدق بوسیله چاقو کشان بقتل رسیده برای شرکت در دادن رای با انحلال مجلس در میدان سپه حضور یافتند و آراء خود را در حوزه شماره ۴ ریختند .  
 این آقایان عبارت بودند از غلامحسین حدادزاده ، اسنر حدادزاده ، محمود حدادزاده ، حسن حدادزاده ، غلامعلی حدادزاده و غلامرضا حدادزاده برادران مقتول و همچنین جلال آهن چیان ، مهدی فرشی یکی از برادران مقتول بصرف نگار مآظها در اوقات امروز خانواده حدادزاده و آهن چیان و انتشاریان و نیک زاد و فرشی و عده ای از صنف آهن فروش در منزل مقتول حاضر شده و مجمعا برای دادن رای با انحلال مجلس دوره ۱۷ میدان سپه .

و همچنین اظهار داشت تا سنا ما از این است که میر اشرافی شایع با اینکه بواسطه توهین بدکتر مصدق مورد ترحم برادر شهید ما واقع شده بود و بهین جهت آن مرحوم مدتی در زندان فرمانده انتظامی بود و اکنون هم بدست چاقو کشان اقلیت کشته شده آمرحوم را از طرفداران اقلیت دانسته است .

**شمارش آراء**  
 در دو حوزه از ساعت ۱۱ و در بقیه از ساعت ۱۲ شمارش آراء در محل اخذ آراء شروع شد غیر از حوزه شماره ۵ که صندوق های خود را به حارت لیستر و حوزه یک بصندوق های خود را بگارا از مقابل انتقال دادند و در آنجا آراء را شماره کردند .  
 پس از شمارش آراء هر حوزه نتیجه خود را باین شرح اعلام کردند .

حوزه شماره ۱	۱۷۰۷۳
حوزه شماره ۲	۱۱۹۷۰
حوزه شماره ۳	۸۶۹۰
حوزه شماره ۴	۲۳۹۹۹
حوزه شماره ۵	۲۰۴۳۳
آراء راه آهن	۱۹۴۲۰
مجموع آراء	۱۰۱۳۹۶

**مقاله و نسخه دکتر بجای رای**  
 تمام اوراقی که در صندوق ها ریخته میشد رای نبود بعضی از اشخاص ورقه سفید انداخته بودند و گویا اشتباه کرده بودند که باید اسم و مشخصات خود را بنویسند ؛  
 از صندوق حوزه یک نسخه متعلق آقای دکتر حسین صابری بجای رای بیرون آمد .  
 اما علاوه بر اینها عده ای در اوراق رای خود ضمن تعیین مشخصاتشان مطالبی در پشتیبانی از دکتر مصدق نوشته بودند یکی از آنها مطالب چالنی نوشته بود که آنرا نقل میکنیم ؛  
 اینجناب سیدعلی نواب احتشام شناسنامه شماره ۲۰۷ مشهد با مطالعه کامل دوره ۱۸ ساله حبس و تبعید و اصارت خود می نویسم جناب آقای دکتر مصدق پدر

ملت و پیشوای بزرگ از ابواب جهان و ذخایر خدای منان برای تجدید عظمت و استقلال ایران است اقدامات مدبرانه و شجاعانه این مرد بزرگ در دنیا با نظر احجاب و تمسین مینگرد . دوره حکومت پرافتخارش باعث سرفرازی ملت و وجود افتخار لسلهای آتیه مملکت است آنچه تاکنون کرده بصلاح کشور و ملت بوده شایان کمال تقدیر و تمجید است و هر چه بعد از این اقدام کند مورد تصدیق و تایید زیرا ملت بصیرت قریب است ایران در سیاست داخلی و خارجی مردی باین لیاقت ندیده و بیندازی و قدرت و اراده بخود ندیده لذا نسبت بپدر حقیقی و پیشوای بزرگوار خود از دل و جان خاضع است و بزبان حال میگوید دکتر مصدق عزیز فدای آزادی بخش نجات دهنده ایران است . هر چه بکنند صلاح است و هر چه بخواند همان خواست ملت است . لباس پیشوایی و زمامداری ایران فقط بقرامت موزون و مردانه حضرت دکتر مصدق محبوب براننده است و بس عمر طولانی و موفقیتش آزادی بر ایرانی و طغخواه است .

ملت ایران مجلس را که هم آهنگ پیشوای محبوب خود بیند آزادی میدهد اندامش را بر بقا ترجیح میدهد .  
 زنده و پاینده باد نجات دهنده کشور آزادی بخش ملت ایران دکتر مصدق

**نواب احتشام ناهار در میدان سپه**  
 کلیه اعضای خیرا حوزه شماره ۵ کار خود را تا نزدیک ۱ بعد از ظهر بیابان رسانیدند ولی چون کار حوزه شماره ۵ طول کشید برای اعضای انجمن در حارت لیستر ناهار آوردند .  
 بدین ترتیب اعضای انجمن ناهار را در همانجا صرف کردند .

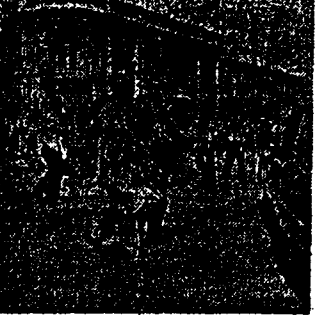
**در میدان بهارستان چه خبر بود ؟**  
 همه کسانی که برای دادن رای میدان سپه آمده بودند برای تماشا بی بهارستان با تمام سرب میزدند اما کسی برای دادن رای با نیان نرفت ؛  
 اعضاء انجمنها با آسودگی خیال بصرف چای و آب بیخ مشغول بودند در حالیکه همکاران آنها در میدان سپه مستاصل شده بودند .  
 چون عکاس روزنامه میخواست از یک رای دهنده مخالف عکس بگیرد مدت نیم ساعت در مقابل یک حوزه معطل شدیم تا یک نفر رای خود را دایر بیخالت با انحلال مجلس بصندوق انداخت که عکس او در همین شماره چاپ شده وی در پاسخ خبرنگار ما اظهار داشت من با انحلال مجلس مخالفم و رای خود را هم میدهم ؟

**راندمان کار انجمنهای مخالف**  
 انجمن شماره ۴ تا ساعت ۹ هیچ رای نگرفته بود .  
 انجمن شماره ۱ تا ساعت ۹ پنج رای گرفته بود .  
 در انجمن شماره ۵ تا ساعت ۹ فقط یک نفر رای داده بود .  
 بطور کلی تا آخر وقت در میان بهارستان ۵۷ رای و در میدان محدیده ۱۱ رای مجبوعا ۶۸ رای مخالف داده شد ،

**تعداد آراء**  
 پس از پایان کار کلیه حوزه ها نتیجه آراء بدین ترتیب اعلام کردید  
 مجموع آراء موافق میدان سپه ۱۹۱۷۶  
 مجموع آراء موافق میدان راه آهن ۱۹۴۲۰  
 مجموع آراء شیران ۴۹۷۹  
 مجموع آراء ایوانکی ۱۹۹۰  
 مجموع آراء کرج ۱۶۰۳۵  
 مجموع آراء در امین ۱۲۳۲۶  
 مجموع کلیه آراء موافق ۱۴۲۳۴۱ رای  
 مجموع کلیه آراء مخالف ۶۸ رای



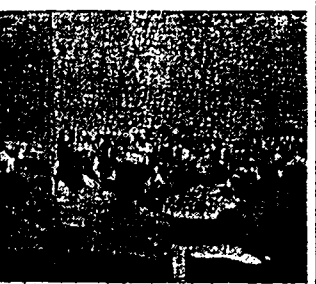
این شخص در میدان بهارستان حاضر شد و رای خود را دایر با مخالفت با انحلال مجلس بصندوق انداخت



آقای دکتر ملک اسبیلی معاون نخست وزیر از حوزهها بازدید کردند



گوشه ای از تظاهرات افراد حزب ما در جریان فرارندم در روز



گوشه ای از تظاهرات اهالی ستان دوسی ام نیز



حوزه شماره ۵ میدان سپه در حال شمارش آراء